



عنوان مقاله :

آدم ربایی دیپلماتیک، ربایش نظم جهانی، تمسخر حقوق بین الملل

نویسنده:

محمود رشنواز

**دانشجوی دکتری حقوق بین الملل ، واحد امارات، دانشگاه
آزاد اسلامی ، دبی، امارات**

(عضو مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضاییه)

۱۴۰۴/۱۰/۱۸

آدم ربایی دیپلماتیک، ربایش نظم جهانی، تمسخر حقوق بین الملل

اقدامات شوکه کننده ترامپ در مقام رئیس جمهور آمریکا در سالهای گذشته، یادآور، توسعه طلبی، استعمار، غارت منابع و به بند کشیدن ملت هاست که در طول تاریخ از سوی کشورهای سلطه جو صورت پذیرفته است. اقدام نظامی علیه کشورهای مخالف با سیاست های آمریکا، نه شوکه کننده است و نه دور از انتظار، کدخدای دهکده ی جهانی، رفتاری متناسب و متعارف با عقاید خود را به ظهور می رساند. اندیشه های امپریالیسم در نظم جهانی شکل گرفته و در تکامل تدریجی حقوق بین الملل، مسکوت مانده است و هیچ گاه از بین نرفته است و گاه با چنین رفتارهایی، نشانه های حیات ان آشکار می شود.

تحلیل ها از اینجا شروع شد که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، این خبر را در رسانه های اجتماعی اعلام کرد و دادستان کل آمریکا گفت که آقای مادورو و همسرش بر اساس کیفرخواست تروریسم مواد مخدر در سال ۲۰۲۰ در دوران اول ریاست جمهوری ترامپ، در نیویورک، با «خشم کامل عدالت آمریکایی در خاک آمریکا، در دادگاه های آمریکا» روبرو خواهند شد. تحلیلهایی که از عملکرد ۳ ژانویه ۲۰۲۶ ایالات متحده آمریکا در ونزوئلا، گاه بر پایه ی توجیهات اقتصادی و نفت چرخیده و گاه بر پایه ی دلایل فکری و مکتبی و اندیشه های امپریالیسم جهانی متکی بوده است. واقعیت از دل این تحلیلهای زمانی آشکار خواهد شد که رفتارهای آتی آمریکا بروز کند. هر چند این شیوه ی تحلیل، یعنی اتکای صرف بر اتفاقات آینده، معمول نیست ولی دست کم می تواند برای جهانیان و دولتمردان، راهنمای مناسبی باشد تا در روابط خود با آمریکا و اظهارنظرها و نیز حمایت های خود از آن، تجدیدنظر نمایند.

هر بعد از مقررات بین المللی در ارتباط با موضوع ربایش رئیس جمهور ونزوئلا را که بررسی می کنیم، نه تنها انطباقی با هیچ قاعده ی بین المللی در آن دیده نمی شود، بلکه نقض فاحش آن تا حد به سخره گرفتن نظم جهانی شکل گرفته، پیش می رود. منطبق با حقوق بین الملل عرفی مربوط به مصونیت و حرمت اشخاص اعطاشده به روسای دولت و حکومت بر اساس حقوق بین الملل، این رفتار، تعرضی خطیر به اصل برابری حاکمیتی دولت ها محسوب می شود. در انطباق این اقدام با منشور ملل متحد، اجماعی بیان نشده وجود دارد که نقض آشکار منشور ملل متحد علی الخصوص مواد ۲ بند ۴ و ۲ بند ۷ منشور و نیز قواعد آمره حقوق بین الملل را بیان می کند. بند ۴ ماده ۲ منشور، دولت های عضو را ملزم می کند از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت دیگر خودداری کنند. استفاده از نیروی نظامی عموماً تنها در چارچوب دفاع مشروع (ماده ۵۱) یا با مجوز شورای امنیت سازمان ملل مجاز است که هیچ یک در این مورد رخ نداده است.

این اقدام نه تنها مسئولیت بین المللی دولت آمریکا را به دنبال دارد، بلکه تعهدات مشخصی را نیز برای دولت های ثالث و سازمان های بین المللی ایجاد می کند. بر اساس مواد سال ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین الملل متحد درباره مسئولیت بین المللی دولت ها، دولت های ثالث موظفاند از شناسایی وضعیت غیرقانونی ایجادشده در نتیجه نقض جدی قواعد آمره (از جمله نقض ممنوعیت تجاوز) خودداری کرده و هیچ گونه کمک یا مساعدتی در تداوم آن ارائه ندهند. دیوان بین المللی دادگستری نیز در نظریه مشورتی «دیوار حائل» در فلسطین در سال ۲۰۰۴ بر اصل عدم شناسایی وضعیت های ناشی از توسل به زور تأکید کرده است. ماده ۴۱ (۲) پیش نویس

مواد در مورد مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال غیرقانونی بین‌المللی که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱ تصویب شد، می‌گوید: «هیچ دولتی نباید وضعیتی را که ناشی از نقض جدی به معنای ماده ۴۰ است، قانونی بداند و یا در حفظ آن وضعیت کمک یا مساعدتی ارائه دهد.» ماده ۴۰ نقض جدی را به عنوان یک قصور فاحش یا سیستماتیک در انجام تعهدی که تحت یک قاعده آمره حقوق بین‌الملل عمومی (ius cogens; Obligations erga omnes) ناشی می‌شود، توصیف می‌کند. به ویژه برای تصرفات ارضی (سرزمین، تملک) ناشی از تهدید یا استفاده از زور، تعهد به عدم شناسایی اعتبار آنها به عنوان یک اصل کلی در حقوق بین‌الملل و رویه سازمان ملل متحد (بطلان در حقوق بین‌الملل) به خوبی تثبیت شده است.

همانطور که دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) تقریباً ۸۰ سال پیش در پرونده کانال کورفو اظهار داشت، مداخله یک دولت قدرتمند علیه حاکمیت یک دولت کمتر قدرتمند دیگر جایی در حقوق بین‌الملل ندارد، زیرا این امر خطر اختصاص مداخله به «قدرتمندترین دولت‌ها» را به همراه دارد و به راحتی می‌تواند منجر به انحراف اجرای عدالت بین‌المللی شود (صفحه ۳۴). علاوه بر این، در همان حکم، دیوان بین‌المللی دادگستری تأیید کرد که «احترام به حاکمیت ارضی، پایه اساسی روابط بین‌الملل است» (صفحه ۳۴). دیوان بین‌المللی دادگستری متعاقباً دیدگاه خود را در مورد ماهیت بنیادی ممنوعیت استفاده از زور تحت حقوق بین‌الملل تأیید کرده است. در پرونده نیکاراگوئه علیه ایالات متحده، دیوان بین‌المللی دادگستری اذعان کرده است که ممنوعیت استفاده از زور بخشی از حقوق عرفی است (بندهای ۱۸۷-۱۹۰)، همانطور که در نظر مشورتی دیوار (بند ۸۷) نیز چنین کرده است. در پرونده فعالیت‌های مسلحانه در سرزمین کنگو (جمهوری دموکراتیک کنگو علیه اوگاندا)، دیوان بین‌المللی دادگستری به ماده ۲(۴) منشور ملل متحد به عنوان «سنگ بنای منشور ملل متحد» (بند ۱۴۸) اشاره کرد.

مطابق با مقررات حقوق بین‌الملل، ارتکاب اعمال ممنوعه با نیروی مسلح نه تنها می‌تواند مسئولیت قانونی دولتی را که این اعمال به آن نسبت داده می‌شود، در پی داشته باشد، بلکه مسئولیت کیفری افرادی را که شخصاً در خشونت غیرقانونی دست داشته‌اند نیز در پی دارد. در واقع، یک رهبر سیاسی یا نظامی که دستور استفاده غیرقانونی از زور علیه یک دولت مستقل دیگر را می‌دهد، می‌تواند مسئول عمل تجاوز شناخته شود، که در ماده ۸ مکرر اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان «استفاده از نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر یا به هر طریق دیگری که با منشور سازمان ملل متحد مغایرت دارد» تعریف شده است.

جفری ساکس تحلیلگر برجسته آمریکایی در نشست اضطراری شورای امنیت در ۵ ژانویه ۲۰۲۶ به مسئله بی‌توجهی آمریکا به ماده ۵۱ اشاره کرد و مصادیق متعددی از اقدامات آمریکا را برشمرد که بدون کسب این مجوز و به بهانه ی دفاع مشروع، گسترش صلح و ... ارتکاب یافته است. او گفت: که مسئله مورد بحث امروز، ونزوئلا نیست. «مسئله این است که آیا هر کشور عضو، با زور، اجبار یا خفقان اقتصادی، حق تعیین آینده سیاسی ونزوئلا یا اعمال کنترل بر امور آن را دارد یا خیر.» او گفت که از سال ۱۹۴۷، ایالات متحده بارها از زور و دستکاری سیاسی برای تغییر رژیم استفاده کرده است. تنها در سال ۲۰۲۵، در هشت کشور - ایران، عراق، نیجریه، سومالی، سوریه، یمن، افغانستان و اکنون ونزوئلا - بمب‌گذاری‌هایی انجام داده است که هیچ‌کدام از آنها توسط شورای امنیت مجاز نبوده یا در دفاع مشروع قانونی طبق منشور سازمان ملل انجام

نشده است. او از ایالات متحده درخواست کرد به تمام تهدیدهای صریح و ضمنی علیه ونزوئلا، پایان دهد. این رفتار از منظر حقوق مسئولیت بین المللی دولتها یک فعل متخلفانه بین المللی و عمل تجاوزکارانه تمامعیار محسوب می گردد. چنین تجاوز نظامی علیه یک دولت مستقل عضو سازمان ملل متحد، نقض جدی صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی محسوب می گردد و پیامدهای گسترده و عمیقی برای کل نظام بین الملل در پی دارد. استفان دوجاریک، سخنگوی سازمان ملل متحد، در بیانیه ای اعلام کرد: «دبیرکل عمیقاً از تشدید اخیر تنش ها در ونزوئلا که با اقدام نظامی امروز ایالات متحده در این کشور به اوج خود رسید و پیامدهای نگران کننده ای برای منطقه دارد، نگران است.» در ادامه این بیانیه آمده است: «جدا از وضعیت ونزوئلا، این تحولات سابقه خطرناکی را تشکیل می دهند. دبیرکل همچنان بر اهمیت احترام کامل - از سوی همه - به قوانین بین المللی، از جمله منشور سازمان ملل تأکید می کند.»

در رسمی ترین و مهمترین شکل از اظهار نظرهای جهانی در این خصوص، حاضران در جلسه شورای امنیت مورخ ۵ ژانویه ۲۰۲۶ این اقدام را محکوم کردند و آن را تهدیدی علیه نظم جهانی خواندند که بی اعتمادی را گسترش و صلح را مخدوش می سازد. نماینده چین اظهار داشت: کشورش عمیقاً از اقدامات یکجانبه، غیرقانونی و قلدرمآبانه ایالات متحده شوکه شده و آن را به شدت محکوم می کند. او گفت که یکی از اعضای دائم شورای امنیت نگرانی های جامعه جهانی را نادیده گرفته و «بی جهت حاکمیت، امنیت و حقوق و منافع مشروع ونزوئلا را پایمال کرده است». او از واشنگتن خواست تا به «صدای قاطع» جامعه بین المللی گوش فرا دهد، از تاریخ درس بگیرد و به مسیر گفتگو بازگردد. این مقام دولت چین در بخشی از سخنانش به حمله آمریکا و اسرائیل علیه ایران در تابستان ۱۴۰۴ به ایران اشاره کرد و گفت: ایالات متحده آمریکا به تاسیسات اصلی ایران حمله کرد در حالی که تحریم های اقتصادی علیه این کشور برقرار بود.

نماینده فدراسیون روسیه با تکرار این نکات گفت: «زنگ خطر برای همه کشورهای عضو سازمان ملل و برای آینده خود سازمان به صدا درآمده است. ما نمی توانیم به ایالات متحده اجازه دهیم که خود را به عنوان نوعی قاضی عالی که به تنهایی حق حمله به هر کشوری را دارد، اعلام کند.» او نگرانی خود را در مورد کنترل افسارگسیخته واشنگتن بر منابع طبیعی ونزوئلا ابراز کرد و هشدار داد که «شتاب تازه ای برای استعمار نو و امپریالیسم» دوباره در حال ظهور است.

نماینده مکزیک، به همراه نمایندگان برزیل، آفریقای جنوبی و اریتره - که به نمایندگی از گروه دوستان منشور سازمان ملل صحبت می کردند - با اتفاق نظر بر اینکه تجاوز ایالات متحده نباید مجاز باشد، اظهار داشتند این اقدام نقض منشور و تهدیدی برای چندجانبه گرایی است. «این وظیفه ملت های مستقل است که سرنوشت خود را ... در چارچوب احترام نامحدود به حقوق بشر تعیین کنند.» تغییر رژیم توسط بازیگران خارجی و اعمال اقدامات فراسرزمینی مغایر با قوانین بین المللی است. آن ها همچنین معتقد بودند از نظر تاریخی، تنها کاری که آمریکائی ها انجام داده اند تشدید درگیری ها و تضعیف ساختار اجتماعی و سیاسی ملت ها بوده است.

ولکر ترک، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد دو روز بعد از این اتفاق، در این ارتباط هشدار داد و گفت: عملیات نظامی ایالات متحده در ونزوئلا، یک اصل اساسی حقوق بین الملل را که پس از وحشت

دو جنگ جهانی مورد توافق قرار گرفته است، تضعیف می‌کند: کشورها نباید برای پیگیری ادعاهای ارضی یا خواسته‌های سیاسی خود از زور استفاده کنند. من از این وقایع - و از برخی واکنش‌هایی که دیده‌ام - عمیقاً نگران هستم. روایتی در حال ظهور است که می‌کوشد مداخله نظامی ایالات متحده را به عنوان پاسخی به سابقه حقوق بشر دولت مادورو توجیه کند. این مداخله نظامی - که مغایر با حاکمیت ونزوئلا و منشور سازمان ملل است - به جای اینکه پیروزی برای حقوق بشر باشد، به معماری امنیت بین‌المللی آسیب می‌رساند و هر کشوری را ناامن‌تر می‌کند. این امر سیگنالی ارسال می‌کند مبنی بر اینکه قدرتمندان می‌توانند هر کاری که دوست دارند انجام دهند و تنها سازوکاری را که برای جلوگیری از جنگ جهانی سوم داریم، یعنی سازمان ملل، تضعیف می‌کند. هیچ میزان از فریب و تحریف نمی‌تواند این حقایق را تغییر دهد.



همچنین در ادامه راجع به استفاده ابزاری از حقوق بشر توسط آمریکا اظهار داشت: نمی‌توان با حقوق بشر مانند یک توپ پینگ‌پنگ ایدئولوژیک رفتار کرد. ما نمی‌توانیم اجازه دهیم که حقوق ما ابزاری شود: وقتی مناسب است به آن استناد شود و وقتی مناسب نیست، مورد توهین قرار گیرد. من نگران مردمی در منطقه و سراسر جهان هستم که عمیقاً از پیامدهای این نقض قوانین بین‌المللی برای امنیت و ایمنی خود نگران هستند. این موضوع به معنای انتخاب بین مداخله یکجانبه‌ای که مغایر با قوانین بین‌المللی است یا نادیده گرفتن سال‌ها نقض حقوق بشر نیست. ما به وفاداری بیشتر به قوانین حقوق بشر در سراسر جهان نیاز داریم. جامعه ونزوئلا به التیام نیاز دارد. برای غلبه بر قطبی شدن و ترمیم بافت اجتماعی و اقتصادی خود به عدالت نیاز دارد. نیازی به نظامی‌سازی، خشونت یا عدم اطمینان و بی‌ثباتی بیشتر ندارد. مهم‌تر از همه، ونزوئلا به جامعه بین‌المللی نیاز دارد که از حمایت ظاهری از حقوق بشر دست بردارد و از منشور سازمان ملل و قوانین بین‌المللی

حمایت کند. این جایگزین عواقب وحشتناکی در سراسر جهان خواهد داشت. (<https://www.ohchr.org>) خانم راوینا شمداسانی سخنگوی حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز عنوان داشت: توجیهات ایالات متحده در مورد «نقض طولانی مدت و وحشتناک حقوق بشر توسط دولت ونزوئلا برای این حمله را رد کرد. او تأکید کرد: «پاسخگویی در مورد نقض حقوق بشر نمی‌تواند با مداخله نظامی یکجانبه و نقض قوانین بین‌المللی محقق شود. وی افزود ما نگرانیم که بی‌ثباتی فعلی و نظامی شدن بیشتر در این کشور که ناشی از مداخله ایالات متحده است، تنها اوضاع را بدتر کند. آینده ونزوئلا باید تنها توسط مردم ونزوئلا و با احترام کامل به حقوق بشر آنها، از جمله حق تعیین سرنوشت و حاکمیت بر زندگی و منابع آنها تعیین شود.»

» (<https://news.un.org>)

فارغ از هرگونه تحلیل حقوقی از رفتار امریکا در ربایش رئیس‌جمهور ونزوئلا، مسائل اساسی که وجود دارد و باید به آن پاسخ داده شود عبارتند از: ۱- دلیل اصلی این رفتار امریکا چیست و ترامپ از این اقدام قلدرمابانه به دنبال چه اهدافی است؟ ۲- واکنش جهانی به این اقدام چه می‌تواند باشد؟ این واکنش بخصوص از سمت متحدان اروپائی ترامپ، اهمیت زیادی خواهد داشت چرا که گام‌های بعدی واشنگتن را می‌تواند مشخص کند؟ به نظر می‌رسد اظهارات ضد و نقیض مقامات امریکائی از این اقدام، نیز وابسته به واکنش‌هایی است که در عرصه‌ی جهانی به این اقدام نشان داده خواهد شد.

تحلیلگران سیاسی در پاسخ به این سوال که: برنامه ترامپ برای آینده ونزوئلا چیست؟ اظهار می‌دارند: پس از ربودن مادورو، ترامپ گفت که واشنگتن تا زمان تکمیل دوره گذار، این کشور آمریکای لاتین را «اداره» خواهد کرد، اما یک روز بعد، دیپلمات ارشد او گفت که ایالات متحده نمی‌خواهد بر این کشور حکومت کند. مارکو روبریو، وزیر امور خارجه، گفت که ایالات متحده با ونزوئلا در جنگ نیست، در حالی که در همان روز ترامپ به خبرنگاران گفت که اگر ونزوئلا با ایالات متحده برای سرکوب قاچاق مواد مخدر و بازگشایی صنعت نفت خود همکاری نکند، ممکن است دستور حمله دوم را صادر کند. در همین حال، دلسی رودریگز، معاون مادورو، که یک روز بعد از ربایش مادورو به عنوان رئیس‌جمهور موقت ونزوئلا سوگند یاد کرد، اشتیاق خود را برای همکاری با ایالات متحده ابراز کرده است. در حال حاضر، این سوال که چه کسی ونزوئلا را اداره خواهد کرد؟ در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. تفاوت‌های کلیدی در گفته‌های ترامپ و روبریو وجود دارد. این تناقض گویها، عمدی است و می‌تواند از واکنشهای جهانی تأثیراتی بپذیرد.

در خصوص واکنش کشورهای اروپایی به این رخداد ناقض حقوق بین‌الملل، باید اذعان کرد واکنشها منفعل و مبهم هستند، اظهارنظرها دوپهلو بوده و صراحت در گفتار دیده نمی‌شود. اتحادیه اروپا خواستار آرامش و خویشتنداری همه بازیگران برای جلوگیری از تشدید اوضاع و تضمین راه‌حل مسالمت‌آمیز برای بحران است. اتحادیه اروپا متذکر می‌شود که تحت هر شرایطی، اصول حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل باید رعایت شود. اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد مسئولیت ویژه‌ای در حفظ این اصول، به عنوان ستونی از معماری امنیت بین‌المللی، دارند. در این اظهارات دوگانه اتحادیه اروپا بارها اعلام کرده است که نیکولاس مادورو فاقد مشروعیت یک رئیس‌جمهور منتخب دموکراتیک است و از گذار مسالمت‌آمیز به

دموکراسی در این کشور به رهبری ونزوئلا، با احترام به حاکمیت آن، حمایت کرده است. حق مردم ونزوئلا برای تعیین آینده خود باید محترم شمرده شود. <https://www.eeas.europa.eu>

روزنامه ی گاردین با ارتباط دادن این واقعه با جنگ غزه و تجاوز اسرائیل و آمریکا به ایران، واکنش اروپایی را اینگونه تحلیل میکند: پس از سکوت همدستانه اروپایی‌ها در مورد جنایات جنگی اسرائیل در غزه و پذیرش ضمنی حمله آمریکا/اسرائیل به ایران، اکنون آنها در محکوم کردن عملیات نظامی جسورانه آمریکا برای تغییر رژیم در ونزوئلا تردید دارند. به جز چند استثنای قابل توجه - مانند اسپانیا، هلند و نروژ - اکثر رهبران اروپایی از پاسخ خود طفره رفته‌اند. در واقع، اسپانیا بدون شرکای اتحادیه اروپا خود عمل کرده و در کنار گروهی از کشورهای آمریکای لاتین، حمله آمریکا را محکوم کرده است. به نظر می‌رسد دولت‌های اروپایی نمی‌توانند همزمان بگویند که اگرچه نیکولاس مادورو یک دیکتاتور نامشروع بود، اما حمله آمریکا برای سرنگونی او نقض فاحش قوانین بین‌المللی است. امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه و اورزولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، ضمن اشاره به قوانین بین‌المللی تأکید داشتند که برای پایان رژیم مادورو اشکی نمی‌ریزند. دیگران، مانند صدراعظم آلمان، به طرز عجیبی در مورد بررسی قانونی بودن اقدام نظامی ایالات متحده صحبت کردند، گویی در مورد ماهیت آن شکی وجود دارد. در آلمان، این عملیات اختلافات آشکاری را در درون ائتلاف حاکم ایجاد کرد. لارس کلینگبیل، معاون صدراعظم، حمله آمریکا را «بسیار نگران‌کننده» خواند و اظهار داشت که حکومت استبدادی مادورو نمی‌تواند نادیده گرفتن قوانین بین‌المللی را توجیه کند. جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا که از دوستان ترامپ است، این اقدام مداخله نظامی خارجی را دفاع از خود «مشروع» در برابر قاچاق مواد مخدر تعریف کرد.

. <https://www.theguardian.com>

در تحلیل این دوگانگی و ابهام و انفعال در اظهارنظرهای وارده سه نظریه احتمالی برای واکنش سست اروپا مطرح شده است که همگی مربوط به امنیت اروپا هستند. با این حال، هیچ‌کدام از آنها در برابر بررسی دقیق تاب تحمل را ندارد: ۱- محکوم کردن حمله ایالات متحده، دونالد ترامپ را آزار می‌دهد و او را به تلافی علیه اروپا - با خروج نیروها از قاره و یا رها کردن اوکراین - سوق می‌دهد. این ترس‌ها ممکن است معتبر باشند. اما این سناریویی است که قبلاً تا حدودی رخ داده است و انتظار اصلاح مسیر از دولت ترامپ در این برهه غیرمنطقی خواهد بود. ۲- دومین دلیل امنیتی برای خودداری از انتقاد از ترامپ در مورد ونزوئلا مربوط به گرینلند است. تغییر رژیم ترامپ در کاراکاس در قالب چیزی بیان شده است که رئیس‌جمهور آمریکا آن را «دکترین دونرو» (Donroe doctrine) نامیده است، نسخه‌ای ترامپی از دکترین مونرو قرن نوزدهم که در آن ایالات متحده، ابتدا با مقابله با استعمار اروپایی در آمریکای جنوبی، به تدریج به عنوان هژمون تازه تأسیس در منطقه عمل کرد و آمریکای لاتین را به حوزه نفوذ خود درآورد. ۳- آخرین و کم‌اهمیت‌ترین دلیل برای ابهام اروپایی‌ها مربوط به خود ونزوئلا و رابطه نزدیک آن با روسیه پوتین است. مخالفت آنها با حکومت ونزوئلا پس از حمله تمام عیار روسیه به اوکراین، با توجه به روابط پوتین با مادورو، تشدید شد. در واقع، ونزوئلا در سازمان ملل متحد همواره در مورد اوکراین از روسیه جانبداری کرده است. اکنون، تغییر رژیم به رهبری ایالات متحده در کاراکاس می‌تواند باعث افزایش تولید نفت ونزوئلا شود که منجر به کاهش قیمت‌ها و مکیدن خون از ماشین جنگی پوتین می‌شود. بر اساس این تحلیل، پس از سقوط بشار اسد در سوریه، سقوط مادورو

در ونزوئلا ضربه‌ای جدی به جاه‌طلبی‌های جهانی روسیه است و این خبر خوبی برای اروپا است. با این حال، سقوط یک رژیم، هر چقدر هم که نامشروع باشد، از طریق حمله نظامی غیرقانونی یک کشور خارجی و ایجاد یک کشور تحت الحمایه شبه استعماری، نقض اساسی‌ترین هنجارهای حاکمیت و استقلال است که امنیت اروپا بر اساس آن بنا شده است. این رویای روسیه برای اروپا است. www.theguardian.com://

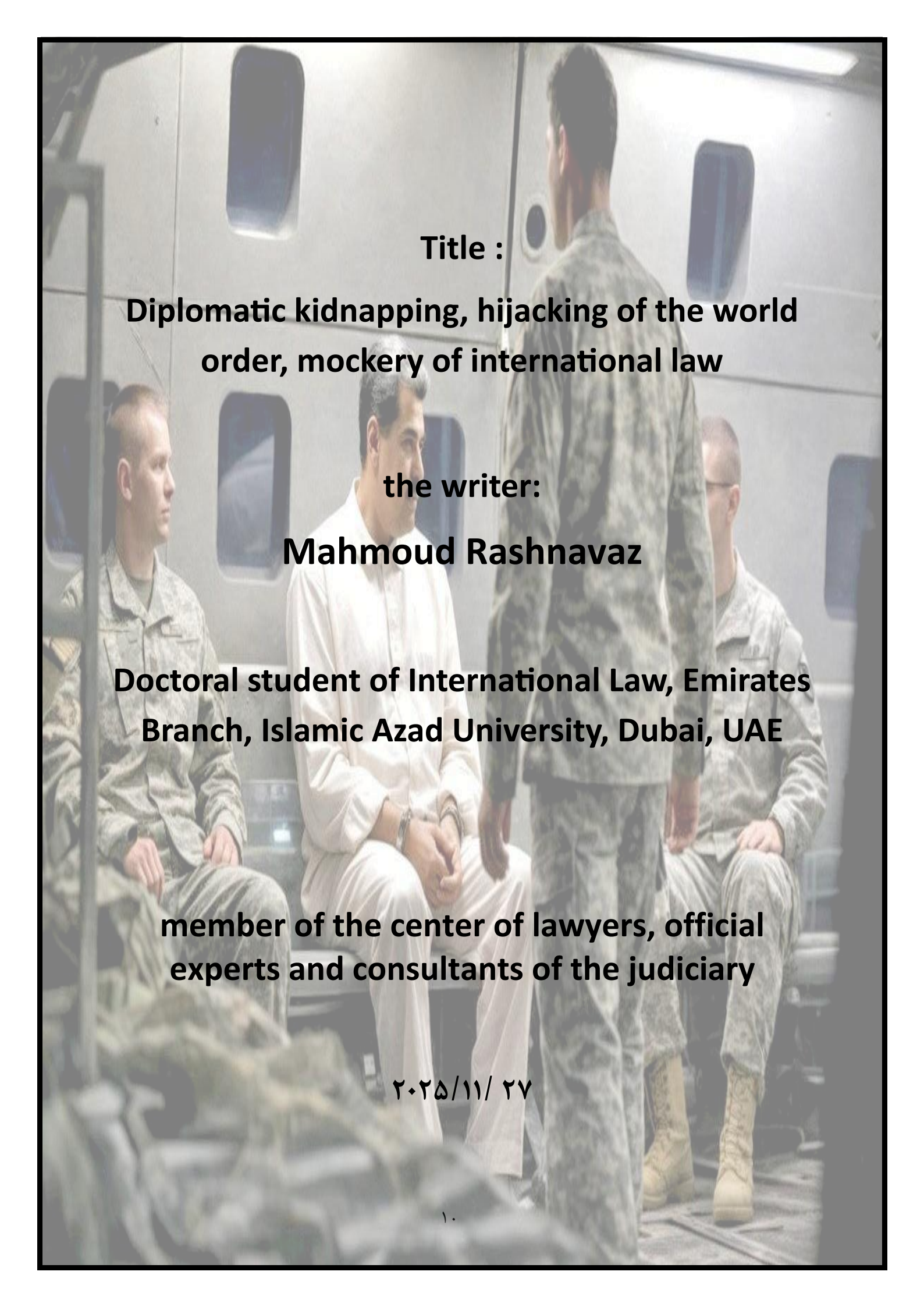
شاید اگر اروپائیان در پازل اقدامات آمریکا دقت بیشتری داشتند، پی می‌بردند که تکه‌ی بعدی، گرینلند است؛ با وجود سستی آن‌ها در واکنش به ربایش مادورو، شماری از سران اروپایی به درخواست‌های مکرر ترامپ برای تصرف گرینلند توسط آمریکا واکنش نشان داده‌اند، چرا که بازتاب‌های حمله نظامی واشنگتن به ونزوئلا و ربودن رهبر آن در سراسر جهان احساس می‌شود. هفت تن از سران اروپایی، از جمله امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، صدراعظم آلمان و نخست‌وزیر بریتانیا، بعد از تجاوز آمریکا به ونزوئلا بیانیه مشترکی صادر کردند و گفتند که این جزیره غنی از مواد معدنی در قطب شمال «متعلق به مردم آن است». در این بیانیه آمده است: «این وظیفه دانمارک و گرینلند است که فقط آنها در مورد مسائل مربوط به دانمارک و گرینلند تصمیم بگیرند.» به طور جداگانه، مته فردریکسن، نخست‌وزیر دانمارک، هشدار داده است که هرگونه تلاشی از سوی ایالات متحده برای تصرف گرینلند منجر به پایان اتحاد نظامی ناتو خواهد شد.

در نتیجه باید گفت

ایالات متحده با حمله به ونزوئلا از طریق حملات هوایی و ربودن رهبر مستقل آن، نیکولاس مادورو، قاعده آمره حقوق بین‌الملل در مورد ممنوعیت استفاده از زور را نقض کرده است. چنین اقداماتی طبق حقوق بین‌الملل یک حمله مسلحانه محسوب می‌شود، به ونزوئلا اجازه می‌دهد تا در دفاع از خود پاسخ دهد و مسئولیت حقوقی بین‌المللی ایالات متحده را در پی دارد و آن را در معرض ادعاهای خسارت از سوی ونزوئلا قرار می‌دهد. همچنین شکی نیست که ایالات متحده نمی‌تواند هیچ استثنای قابل قبولی برای ممنوعیت استفاده از زور ارائه دهد. اقدامات نظامی ایالات متحده توسط شورای امنیت مجاز نبوده و ایالات متحده تحت حمله مسلحانه یا تهدید به حمله مسلحانه از سوی ونزوئلا قرار نگرفته است. حتی اگر فرض کنیم که مادورو مسئول قاچاق برخی مواد مخدر به بازارهای ایالات متحده است، چنین اقداماتی طبق حقوق بین‌الملل به منزله حمله مسلحانه نخواهد بود. علاوه بر این، ایالات متحده در ونزوئلا برای نجات اتباع خود از زور استفاده نمی‌کند و این کار را برای اهداف بشردوستانه انجام نمی‌دهد. در مجموع، ایالات متحده ماده ۲(۴) و همچنین حقوق بین‌الملل عرفی آن را نقض کرده است.

دیدگاه مبتنی بر شکست نظم جهانی در این واقعه غالب است - اینکه نظم حقوقی بین‌المللی به طور قابل توجهی تضعیف شده است و آینده مستلزم مجموعه‌ای از اقدامات نقض حاکمیت توسط کشورهای قدرتمند خواهد بود که هیچ مانعی برای آنها وجود نخواهد داشت. اقدامات ایالات متحده در ونزوئلا حاکمیت یک کشور ضعیف‌تر را تحت الشعاع قرار می‌دهد و قدرت‌های بزرگ با مصونیت از مجازات عمل می‌کنند. صرف نظر از دیدگاهی که اتخاذ می‌شود، تأکید بر این نکته مهم است که حمله ایالات متحده علیه ونزوئلا تهدیدی برای نظم حقوقی بین‌المللی است، زیرا بی‌توجهی آشکار به قوانین حقوق بین‌الملل مربوطه را برجسته می‌کند و بانی اقدامات مشابه دیگر توسط کشورهای قدرتمند در آینده باز می‌کند. اگر ایالات متحده می‌تواند رئیس

جمهور ونزوئلا را برباید، اعلام کند که کشور را برای آینده‌ای قابل پیش‌بینی اداره خواهد کرد و اساساً رهبر بعدی ونزوئلا را تعیین خواهد کرد بنابراین امکان رخدادهای مشابه مبتنی بر قدرت فارغ از نظم جهانی وجود خواهد داشت. جهانی بدون نظم حقوقی بین‌المللی، جهانی خواهد بود که در آن قدرت غالب است و جنگ و خشونت، به عنوان اعمال قدرت، صلح و ثبات را به خطر می‌اندازد.



Title :

**Diplomatic kidnapping, hijacking of the world
order, mockery of international law**

the writer:

Mahmoud Rashnavaz

**Doctoral student of International Law, Emirates
Branch, Islamic Azad University, Dubai, UAE**

**member of the center of lawyers, official
experts and consultants of the judiciary**

۲۰۲۵/۱۱/ ۲۷